

# عید با کوله بار غربت

استاد (صبح)

هیچ گاه تنهایی و کتاب و قلم، این سه روح و سه زنده گی و سه دنیای مرا کسی از من نخواهد گرفت؟  
وطن چهارمین بود، آن را از من گرفتند.



گویند بانگ سحرگاهان می آید  
نوروز و عیدی قربان می آید  
قانونی که رهش در جنگل بود  
یکروزی به افغانستان می آید.

ادوار دو گالیانو، نویسنده ی نامدار آمریکای جنوبی، در کتاب آغوش های خود می نویسد: هیچ پوششی  
نمی تواند زیاله ی خاطره را بیوشاند. شکنجه هایی که انسان آواره دیده، نامردمی هایی که از سر  
گذرانید، رنج و شوربختی و دربدری در کشورهای مختلف چیزی نیست که با چند قرص و آمپول درمان  
شود.

تبعید! در ساده ترین تعریف به اجبار گسستن از سرزمینی که به آن تعلق دارید.  
سارتر می گوید: من برای این که بدانم در غربت هستم باید بدانم غربت چیست و گرنه تنها غمی مبهم را  
احساس می کنم و نه غربت را.  
آواره گی به نوعی شکنجه محسوب می شود. زمانی که فرد را به زور از زادگاهش می رانند و او  
مجبور است که با تمام علایق و وابستگی های خود قطع رابطه نماید.

پس از جابجایی اجباری و زنده گی در غربت، انسان تبعیدی ناگزیر است در سختی و کرختی بسوزد و بسازد مجبور است که یک زنده گی نابسامان و توأم با بدبختی را ادامه دهد. اوریپیدس ادیب یونانی در دو هزار و پنجمصد سال پیش نوشت: هیچ دردی بالاتر از دست دادن زادگاه نیست. تصورش را بکنید که فرد تبعیدی قربانی شکنجه نیز باشد. در این صورت شکنجه ی تبعید چند برابر خواهد شد و گاهی زنده گی تبعیدی را دچار ناسامانی بازگشت ناپذیر می سازد.

و اما ناظم حکمت، شاعر انقلابی ترکیه، در دوران تبعید، قلب همه گان را با امید به بازگشت زنده کرد:

دوستان من

ما یکدیگر را خواهیم دید

باور کنید ما با یکدیگر ملاقات خواهیم کرد

و در بهار درخشان فردا

در کنار ساحل خواهیم ایستاد

خورشید را نظاره خواهیم کرد.

عیدی قربان فرارسید، عیدی که با خود اتحاد، همدلی و دید و بازدید را به ارمغان می آورد و برای پیروان اسلام از تقدس خاصی برخوردار است.

در سرتاسر جهان اسلام، با همه تنوع سیاسی و جغرافیایی و نژادی خویش به شکرانه سرافرازی ابراهیم از آزمون بزرگ بنده گی به نماز می استند و قربانی های نمادین خود را به تاسی دلداده گی بزرگ او، تقدیم درگاه رب العالمین میکنند. عید قربان از گرامیترین عیدهای مسلمانان است که به یاد ابراهیم و فرزندش اسماعیل، توسط بسیاری از مسلمانان جشن گرفته می شود. عید قربان که از جمله تعطیلات رسمی مسلمانان است، از یک تا چهار روز جشن گرفته می شود و در طی آن مردم با پوشیدن بهترین پوشاک خود، پس از انجام عبادات، به دید و بازدید و جشن و سرور می پردازند.

در روایات مختلف دین اسلام آمده است که ابراهیم در سن بالا دارای فرزندی شد که او را اسماعیل نام نهاد و برایش بسیار عزیز و گرامی بود. اما مدتها بعد، هنگامی که اسماعیل به سنین نوجوانی رسیده بود، فرمان الهی چندین بار در خواب به ابراهیم نازل شد و بدون ذکر هیچ دلیلی به او دستور داده شد تا اسماعیل را قربانی کند.

او پس از کشمکشهای فراوان درونی، در نهایت با موافقت خالصانه فرزندش، به محل مورد نظر می روند و ابراهیم آماده سر بریدن فرزند محبوب خود می شود. اما به هنگام انجام قربانی اسماعیل، خداوند که او را سربلند در امتحان می یابد، گوسفندی را برای انجام ذبح به نزد ابراهیم می فرستد.

این ایثار و عشق پیامبر به انجام فرمان خدا، فریضه ای برای حجاج می گردد تا در این روز قربانی کنند و از این طریق برای یتیمان و تهیدستان کمک صورت گیرد.

رسید عید و هنوز در سفریم ما

به مثلی نسترنها پرپریم ما

کجا غربت نشینان عید دارند

غریب کشورهای دیگریم ما .

در کشورما، کسانی که از لحاظ مالی در وضعیت بهتری قرار دارند برای روز عید قربان لباس نو و گوسفند قربانی تهیه می کنند آنان در روز قربان بهترین و زیباترین لباس ها را بر تن کرده، منازل خود را تزیین و بهترین شیرینی و میوه فصل را تهیه و در انتظار مهمان هستند پس از نماز عید قربان کودکان خانواده به دیدار بزرگان میروند. بزرگان در این روز به کودکان عیدی می دهند.

افرادی که برای دید و بازدید به منازل اعضای خانواده و دوستان خود می روند با غذاهایی لذیذ افغانی، میوه تازه، شیرینی، کیک و کلهجه، بادام، پسته، سمیان، نقل خسته بی و . . . پذیرایی می شوند. مردم ما ضمن پوشیدن لباس تمیز و عموماً نو به دیدار هم می روند و عید را به یکدیگر تبریک می گویند. بزرگان به اطفال عیدی می دهند و زنان، دختران و پسران خورد سال در شب اول عید دستها و بعضاً پایهای شانرا حنا (خینه) میبندند.

اما افغانان غربت نشین و آواره که بر اساس جبر زمان از خانه و زادگاهش بیرون شده اند، بصورت درست نه عیدی دارند و نه نوروز و سال نو، و این قشری رنج دیده و بی وطن در روزهای عید، برات، سال نو و نوروز، روزهای ملی و تاریخی مصروف امور روزمره و دنبال لقمه ی نانی اند. درین روزها که در وطن شور و شغف بی پایانی جریان دارد و در تبعید به ندرت دروازه یی دق الباب و مراسمی برگزار میگردد. اندک اندک نسل جدیدی غربت نشینان روزهای ملی و تاریخی را از یاد برده و با عنعنات و فرهنگ پر بار وطن بیگانه و بیگانه تر میگرددند.

در فرجام فرارسیدن ایام پر میمنت عید قربان را به تمام هموطنان مستمند تهی دست و در هرجای که زنده گی دارند از صفا و صمیم قلب تبریک و تهنیت عرض مینمایم و آرزو دارم که زنده گی به کام و خوشبختی و سعادت به نام تان باشد. امین یا رب العالمین.

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)